

درس اول

محتوای نوشتاری کتاب دین و زندگی پایه دوازدهم	بسمه تعالی معاونت آموزش متوسطه نظری دبیرخانه راهبری کشوری دین و زندگی تولید شده در استان کهگیلویه و بویراحمد	فصل: اول بخش: اول درس: اول نام طراح: علی سینایی
---	---	--

سال تحصیلی 99-1400

موضوع: هستی بخش

اهداف یادگیری:

هدف کلی: آشنایی دانش آموزان با معرفت و شناخت عمیق تر درباره خداوند و راه های گوناگون برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال خداوند.

انتظارات پس از مطالعه:

دانش آموزان در پایان این درس به معرفتی عمیق تر درباره خداوند دست می یابند.

دانش آموزان در پایان این درس نیازمندی جهان به خدا در بقا را می دانند.

دانش آموزان در پایان این درس به ناتوانی انسان در شناخت ذات خدا پی می برند.

نکات مهم درس:

❖ هر کدام از ما بر اساس «فطرت خویش» خدا را در می یابیم و حضورش را درک می کنیم.

❖ ما بر اساس فطرت الهی خویش، می دانیم که در جهانی زندگی می کنیم که، آفریننده ای «حکیم» آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات و مخلوقات مدد می رساند.

❖ شناخت اولیه از جهانی که در آن زندگی می کنیم، کافی نیست، با وجود این شناخت اولیه و فطری، قرآن کریم؛ ما را به معرفت عمیق تر درباره خداوند فرا می خواند و راه های گوناگونی برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد. یکی از این راه ها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است.

❖ پدیده ها - که وجودشان از خودشان نیست برای موجود شدن، نیازمند به پدید آورندهای (پدیداری) هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد. همان طور که چیزهایی که شیرین نیستند.

❖ در آفرینش، یک موجود فقط در صورتی که «خودش ذاتا موجود باشد» در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدید آورنده نخواهد داشت؛ زیرا همواره بوده است و خواهد بود.

❖ ما و همه پدیده های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود، به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده

نباشد و سرچشمه هستی باشد. این موجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می شود.

❖ رابطه «جهان» با «خدا» مانند رابطه «بنا» با «مسجد» نیست؛ زیرا اگر اندکی دقت کنیم، در می یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد، از مصالح ساختمانی مانند خاک، سنگ، گچ، چوب، کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هر یک از این مصالح نیز خواصی دارند که با آن را ایجاد نمی کند. بنا، نه چسبندگی گچ را ایجاد می کند و به سختی و استحکام سنگ را. به عبارت دیگر؛ «بنا»، نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا، فقط جابه جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ، گچ، چوب و خواص آنها و حتی خالق خود «بنا» است. بر این اساس وجود و هستی «بنا» و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها را از بین می برد و ساختمان متلاشی می گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ گاه قطع و یا کم نمی شود.

❖ قرآن کریم، رابطه میان «خداوند» و «جهان هستی» را با کلمه ای بیان می کند که در نظر اول برای ما شگفت انگیز می نماید. اما پس از تفکر دقیق، به معنای آن پی می بریم قرآن کریم می فرماید: «الله نور السموات والأرض»؛ خداوند، نور آسمانها و زمین است. ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می شوند، یعنی منشأ مادی دارند.

❖ «نور» آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکار هستند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر می شوند.

❖ خداوند، «نور هستی» است. یعنی تمام موجودات «وجود» خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

❖ موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم: **دسته اول** موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوان ها، ستارگان و کهکشان ها؛ حتی کهکشانهای بسیار بسیار دور هم ممکن است روزی مورد شناسایی واقع شوند و انسان بتواند ماهیت و ذات آنها را شناسایی کند. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد؛ زیرا همه آنها **اموری «محدود»** هستند. **دسته دوم** موضوعاتی هستند که «نامحدودند» و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا **لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.**

❖ **ذات خداوند از موضوعات دسته دوم در شناخت قرار می گیرد، یعنی ذات خداوند، از موضوعات**

«نامحدود» است که ذهن ما گنجایش درک آن را ندارد، به عبارت دیگر، لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است، در حالی که ذهن ما توانایی احاطه و دسترسی بر ذات و چیستی خداوند را ندارد. به دلیل محدود بودن ذهن خود، نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم.

❖ چرا ذهن ما نمی تواند به حقیقت خداوند احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید؛ زیرا خداوند، حقیقتی «نامحدود» دارد؛ به عبارت دیگر، به دلیل محدود بودن ذهن خود، نمی توانیم ذات خدای نامحدود را تصور و چگونگی وجودش را دریابیم.

آیات و احادیث:

یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله والله هو الغنی الحمید

۱- مخاطب آیه انسان (ایها الناس) می باشد ولی موضوع آن همه مخلوقات را شامل می شود ۲- همه مخلوقات از جمله انسان در هستی و پیدایش خود به خداوند نیازمند هستند (انتم الفقراء إلى الله فقر ذاتی مخلوقات) ۳- تنها وجود بی نیاز خداست و او در هستی خود به دیگری محتاج نیست (والله هو الغنی الحمید غنای ذاتی خداوند) ۴- نسبت غنای الهی با فقر مخلوقات هیچ گاه • تغییر نمی کند ۵- منظور از فقر (نیازمندی) و منظور از غنی (بی نیازی) می باشد ۶- خداوند غنای خود را در جهت رفع نیاز و نفع مخلوقات به کار می برد لذا مورد ستایش است (الغنی الحمید).

یسأله من فی السماوات والأرض کل یوم

هو فی شأن 1 - نیازمندی مخلوقات به خداوند در بقاء (پسالة من فی السماوات والأرض) ۲- چون مخلوقات پس از پیدایش همچنان به • خداوند نیاز دارند همواره از او طلب نیاز و درخواست دارند (یسأله من فی السماوات والأرض) 3- چون هستی و بقای موجودات وابسته به خداست بنا بر این آنان را به حال خود رها نمی کند بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند (کل یوم هو فی شأن) ۴- نیاز دائمی موجودات لطف و فیض دائمی خدا را طلب می کنند و او هر لحظه دارای فیض جدید و مستمر برای آفریده هاست (پسالة من فی هو فی کل شأن).

اللهم لا تکلنی إلى نفسی طرفه عین أبدا

۱- بیانگر درک نیازمندی دائمی انسان در بقاء • به خداوند ۲- انسان های آگاه مدام سایه لطف و رحمت الهی را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند ۳- هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود نیاز به او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می کن ۴- افزایش خود شناسی مدرک بیشتر فقر و نیاز به افزایش عبودیت و بندگی.

الله نور السماوات والأرض

1- خداوند نور هستی است. یعنی تمامی موجودات وجود خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند خداوند هست که حقیقتش عین نور و روشنائی است و هر موجودی به نور و روشن و به وجود او وابسته است 2- هر چیزی پیش از آن که نمایش دهنده ی خود باشد نشان دهنده ی خالق خود یعنی خداست 3- وابستگی جهان در پیدایش و بقاء به خداوند.

تفکروا فی کل شی ولا تفکروا فی ذات الله

- 1- ناتوانی انسان در شناخت ذات و چیستی خداوند 2- امکان محدود کردن ذات الهی در حد تصور خود
- 3- لزوم تفکر در نعمت ها و صفات الهی و پی بردن به وجود و هستی (ممکن) او از طریق آن ها
- 4- به دلیل محدود بودن ذهن انسان نمی توانیم به ذات نامحدود الهی پی ببریم (ناممکن).

اشعار:

دلی کز معرف نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

1- مشهود بودن خداوند در مخلوقات

2- وابستگی مخلوقات به خداوند در مراحل پیدایش و بقا

3- هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است

4- مشاهده خداوند در پشت پرده ی ظاهر و ورای اشیاء.

دوست نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم

1- بیانگر سرشت خدا آشنا از سرمایه های رشد در انسان می باشد 2- فطری بودن خداشناسی

پاسخ اندیشه و تحقیق و فعالیت ها:

با وجود شباهت های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت ساز و ساعت، تفاوت های این دو رابطه را بنویسید.

۱- هر دو از اجزایی تشکیل شده اند. اما ساعت ساز هستی بخش اجزاء ساعت نیست و فقط نظم دهنده است ولی خداوند هم هستی بخش است و هم نظم دهنده.

۲- هر دو پدیده اند و به پدید آورنده نیازمندند. اما دوام و بقای ساعت وابسته به ساعت ساز نیست؛ درحالی که دوام و بقای جهان وابسته به خداست.

۳- هر دو دارای نظم و هدف هستند. اما نظم و پیچیدگی جهان بسیار فراتر از یک ساعت است.

سوالات امتحانی پرتکرار:

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

هر کدام از ما براساس.....خویش خدا را درمی یابیم و.....درک می کنیم. **فطرت - حضورش**

انسانهای آگاه دائما سایه لطف و رحمت خدا را احساس می کنند و خود را..... عنایات..... او می دانند .

نیازمند - پیوسته

روئیت خدا با چشم، غیر ممکن است زیرا چشم ساختار..... دارد و فقط می تواند از اشیاء عکس برداری

کند. مادی - جسمانی

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را با گذاشتن علامت ص /غ مشخص نمایید.

هر کدام از ما براساس فطرت خویش خدا را در می یابیم و حضورش را درک می کنیم. **ص**

هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود نیاز او را کمتر احساس و عجز و بندگی خود را کمتر ابراز می

کند. غ

در صورتی یک موجودی پدیده نیست که در وجود خود نیازمند به دیگری نیست. **ص**

سوالات کوتاه پاسخ:

جهان هستی در چه مرحله به خدا نیازمند است؟ نام ببرید؟ **در دو مرحله ۱- در پیدایش ۲- در بقا**

اگر بگوییم " «رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق است " وجه شباهت در چه چیزی است؟ **در**

اینکه موجودات در هر آن به خداوند نیازمندند.

در چه صورتی انسان می تواند لذت معرفت عمیق را کسب کند؟

الف) قدم پیش بگذارد ب) با عزم و تصمیم قوی حرکت کند ج) خدا به او کمک کند

سوالات تشریحی:

برای نیازمندی جهان به خدا در پیدایش استدلال کنید؟ (از چه مقدماتی می توان به این نتیجه رسید که جهان

درپیدایش به خالق نیازمند است؟

مقدمه ۱- اگر به خودواشیای پیرامون خود نظر کنیم خودواشیاء را پدیده هایی می یابیم که وجودوهستی مان از خودمان نیست.

مقدمه ۲- پدیده ای که وجودش از خودش نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای است که خودش پدیده نباشد.

رابطه نیازمندی جهان به خدا دربقاء را با توجه به تشبیه "رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق است" توضیح دهید؟

رابطه خداوند با جهان ، تا حدی شبیه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می گردد و لامپ های متصل به آن نیز خاموش می شود. بنابراین موجودات پس از پیدایش نیز همپنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند . از این رو دائما با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می کنند.

چرا روئیت خداوند با چشم غیرممکن است؟

زیرا الف) چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیاء می تواند عکس برداری کند ؛ آن اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند.

ب) چشم حتی توانایی دیدن همه اشیای مادی را هم ندارد ، چه برسد به موجودات غیر مادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد خدا در دنیا و در آخرت قابل مشاهده با چشم نیست.